



امیرفیض-حقوقدان

این تحریر، متضمن نتیجه و دستاوردی است که تاکنون سابقه نداشته و در آخرتحریر به میان آمده است. تحمل مطالعه این تحریر به اعتبار نتیجه ای که از آن ملحوظ است مورد استدعاست.

در قسمت اول این تحریر، 'جرح شورای نگهبان مطرح شد و اکنون ادامه تحقیق متوجه اصل انتخابات در جمهوری اسلامی است که در مفهوم متوجه همه پرسى سال ۵۸ و انتخابات ادواری خواهد بود.

این تحریر، مفید میدانند بمنظور ارائه یک جامعیت نسبی، جرح انتخابات در جمهوری اسلامی را در دو مسیر، مورد بررسی قرار دهد نخست حقوق اسلامی و دوم حقوق دمکراتیکی.

### جرح انتخابات در جمهوری اسلامی در مسیر حقوق اسلامی

جرح، متوجه عمل و یا سخنی است که مخالف قانون و یا شرع نباشد ولی با کاستی ها و یا ناگفته ها و تردید ها روبروست و معلوم حقوقی این است، چیزی که خلاف قانون و یا شرع باشد قابل جرح کردن نیست و غیر قابل قبول و طرح بوده و به مرحله جرح نمیرسد.

اشاره بالا بدان سبب لازم افتاد که این تحریر خود قبول دارد که انتخابات در جمهوری اسلامی قابل جرح نیست و تعلق واژه جرح به انتخابات در جمهوری اسلامی نادیده گرفتن منطق در کلام است. زیرا چیزی که خلاف شرع باشد باطل است و نمیتواند در دائره جرح قرار گیرد. اما نشان از مورد این است، تاهنگامی که خلاف شرع بودن انتخابات به استناد احکام شرعی به اثبات نرسد نمیتوان اجرای قاعده جرح رانسبت به انتخابات جمهوری اسلامی دریغ داشت.

**عدم مشروعیت انتخابات بطور کلی در اسلام**

نخست به بینیم که مشروعیت یعنی چی تا بتوان حضور آنرا در انتخابات، در حقوق اسلامی بررسی کرد.

مشروعیت قدرتی است که شریعت تبعیت از آنرا الزامی کرده است - قدرتی را که شریعت اطاعت از آنرا امر نکرده فاقد مشروعیت بوده و عنوان آن در حقوق اسلامی طاغوت است. بنابراین قدرتی از نظر حقوق اسلامی مشروع است که مطابق دین برکسی اقتدارنشسته باشد. پس مشروع به عملی گفته میشود که مطابق دین یعنی آیات و بینات باشد.

خوب بامقدمه بالا که در اصالت آن حرف و سخنی نمیتواند باشد به این مهم پرداخته میشود که آیا انتخابات بطور کلی در اسلام و در نهایت در جمهوری اسلامی که خود را کشور اسلامی میداند و این نوید و یا ادعا در اصل دوم قانون اساسی آن کشور هم پیاده شده است یک عمل شرعی و اسلامی است یا خیر.

### رای و نظر اکثریت

انتخابات که به معنای پذیرفتن و حق، شناختن نظر اکثریت است در اسلام در جایگاه نفی و محکومیت قرار گرفته است و به حکم آیات قرآن چیزی را که خدا آنرا نهی کرده خیربندگان خدا در نهی است و بندگان خدا نمیتوانند نهی خدارانادیده بگیرند.

### دلایل این مهم

همانطور که استحضار دارید در قرآن زکری از انتخابات به معنای امروزی نشده است ولی از آنجا که انتخابات واجد محتوای برتری و قبول نظر اکثریت است قرآن روی نظر اکثریت دستور عمل داده است.

### اول قرآن

آیات متعدد قرآنی از جمله آیات ۱۰۰ سوره مائده و ۱۱۶ و ۱۱۷ سوره انعام، قائل به اعتبار برای نظر حاصل از (اکثریت) = انتخابات نشده. قرآن، بدون دلیل، حکم بی اعتباری انتخابات را صادر نکرد بلکه در آیات متعددی (۱۰) مورد اکثریت را نادان، گمراه و هدایت و تاسی به نظر آنها را محکوم ساخته است

.....

(علاقمندان به موضوع به سنگر ۱۵ دیماه ۸۳ رجوع فرمایند)

در حالیکه قرآن انتخابات را نهی کرده است بنابراین شرعا توسل به انتخابات فعل حرام است و از آنجا که قوانین موضوعه بشری نمیتواند مخالف قرآن و سنت باشد و از آنجا که مبانی حقوق جمهوری اسلامی قرآن و سنت اعلام شده است لذا نفس انجام انتخابات اعم از انتخابات مجالس و یا همه پرسی، بطور اعم و قانون انتخابات بطور اخص فاقد اعتبار و حرام شرعی است و مسلمانان نمیتوانند باقانون، حرام را حلال گردانند.

یکی از مفسرین معروف قرآن در تفسیر نوین در باب تفسیر آیات ۱۱۶ و ۱۱۷ سوره انعام چنین نوشته است:

> علت اینکه در قرآن اکثریت نادان معرفی شده اند این است که اکثریت بر اساس منطق و فکر صحیح کار نمیکنند و راهنمای آنان یک مشت گمان های آلوده به هوس و یک مشت دروغ و فریب و تخمین است (۱) و از آنجا که به مفهوم آیه قرآن اکثریت نمیتوانند بتهنایی راه حق را نشان دهند نتیجه آن میشود که راه حق را باید تنها از خدا گرفت؛ (۲) هرچند که طرفداران راه حق در اقلیت باشند. برخلاف آنچه که در نظر برخی مسلم شده که اکثریت عددی همواره راه حق را میپیمایند قرآن در آیات متعددی موضوع را نفی کرده و برای اکثریت عددی هیچ اهمیتی قائل نیست.....

در همان تفسیر نوین آمده است > یک جامعه مومن به رسالت انبیا هیچگونه اجباری در خود از پیروی از نظر اکثریت در تصویب قوانین نمی بیند. (۳)

### تفسیری بر تفسیر نوین

(۱)- اینکه در تفسیر نوین قرآن آمده است که اکثریت بر اساس منطق و فکر صحیح کار نمیکنند و راهنمای آنان یک مشت گمان های آلوده به هوس و دروغ و فریب و تخمین است دقیقاً در جریان شورش ۵۷ و همه پرسى سال ۵۸ واقعیت اجرایی خود را نشان داد و ابعاد فریب مردم و دروغهای سران مسلمان شورش بدرستی که سند اصالت تفسیر مزبور میباشد. فریب بزرگی که تحت عنوان آوردن اسلام از طریق شورش و همه پرسى ساختگی به مردم تحمیل شد که از همان سالهای نخست شورشیان درک آن عمومی گشت، مصداق واقعیت مدروک در تفسیر نوین است.

(۲)- عبارت راه حق را باید از خدا گرفت یعنی راه اکثریت راه حق نیست و راهی که قرآن مشخص کرده به حق منتهی میشود و در تطبیق مورد راه انتخابات، راه حق و راه نشان دار از خدا نیست و راه ضلالت و گمراهی و بی اعتنائی به امر خداست.

(۳)- تاکید بر اینکه جامعه مومن به رسالت انبیا اجباری به اعتبار به نظریه اکثریت ندارد، متضمن این معناست که جامعه ای که از انتخابات تبعیت کرد مومن به رسالت انبیا نیست تالی فاسد این برداشت قرآنی این است که ایرانیهای مسلمانی که در انتخابات جمهوری اسلامی ویا همه پرسى ۵۸ مشارکت داشته اند از اسلام و رسالت انبیا خارج اند یعنی مرتد شناخته میشوند.

### سنت محمد

البته که مشروعیت در حکومت بسیار مهم است و نمیتوان گفت محمد که به باور مسلمانان بر همه علوم و خیر و شر جهان آگاه بود نمیدانسته که میشود مشروعیت حکومت را بوسیله انتخابات از مردم گرفت پس میدانسته و روش انتخابی او که تحصیل مشروعیت از طریق انتخابات نبوده خیر مردم و حکم اسلام را در برداشته که از بعد از محمد در تمام جوامع اسلامی مد نظر قرار گرفته و جالب این است که بحکایت تاریخ اسلام مخالفان حکومت های اسلامی هم فقط با استفاده از آیات و بیّنات و سنت سعی میکردند که عدم مشروعیت حکومت را به اثبات برسانند.

مختصر اشاره بالا متضمن این معناست که در تاریخ اسلام اعم از تسنن و یا تشیع هیچگاه مبنا و مآخذ حاکمیت دولت اسلامی از طریق انتخابات تامین نشده است و جوامع اسلامی علاوه بر رعایت تقریرات قرآن، سنت محمد را کاملاً رعایت کرده اند.

### **➤ رابطه حق حاکمیت و انتخابات**

اسلام حق حاکمیت مردم که اساس تشخیص و در نهایت انتخاب و همه پرسی است را از آن مردم نشناخته است. در مقابل این سوال که در نبود حق حاکمیت چگونه انتخابات (بود) بوجود میآید و مشروعیت حکومت تولید میگردد. حکم منطق نفی است زیرا از نبود، بود حادث نمیشود.

### **➤ نظریه فقهای اسلامی**

نه در تاریخ اسلام و نه در کیفیت اداری در اسلام و نه در تفاسیر محققین اسلامی کوچکترین اشاره ای که نظراکثریت مردم ارزش و اعتبار حقوقی و یا شرعی دارد دیده نمیشود و عمومیت این نظریه در مذهب شیعه و تسنن بدون اختلاف است؛ اکنون در این تحریر به نظریه مراجع تقلید مهم استناد میشود.

(۱) آیت الله محمد باقر خالصی که از مراجع تقلید مهم و ۳۱ سال فقیه فعال و معروف در جمهوری اسلامی بوده است در مصاحبه با روزنامه بامداد درباره نظراکثریت چنین گفته است:

حرای اکثریت و عمل به آن طبق آیات قرآن و براهین فلسفی مردود بوده است و هیچگونه ارزشی به آن نمیتوان داد- مطلبی رابه رفتارندم گذاشتن ورد و یا قبول آنرا بررای اکثریت نهادن آیا غیر از دموکراسی غربی چیز دیگری است؟ دموکراسی غربی یعنی همین اینها همان چیزی است که غربی ها پایه و اساس حکومت خود قرار داده و از آن تبعیت میکنند - هنگامیکه به آیات قرآن نگاه میکنیم، قرآن همواره نسبت به عمل و روش و انتخاب و انتصاب اکثریت هر جامعه ای نظر خوشی نداشته و برای اندیشه آنان ارزشی قائل نشده است قرآن در بیشتر از ۲۵ مورد اکثریت را <اکثر وهم لایعلمون> (بیشتر آنان نادانند) خطاب کرده است و در ۶ مورد اکثریت را انسان های ناشکر خوانده و در بیشتر از ۴ مورد اکثریت را کافر محض و منکر حق خوانده و در ۱۳ مورد فاسق و در ۴ مورد دیگر اکثریت را بدون خرد و عقل و در یک مورد اکثریت را گمراه کننده دانسته و میگوید اگر از اکثریت ساکنان زمین پیروی کنید شمارا از راه حق بد برده و- گمراه خواهند کرد .....<sup>۲</sup>

محمد باقر خالصی در پایان مصاحبه اش میگوید:

>پس از اینکه قرآن اکثریت جامعه را از نظر فکر و عمل منحط و فاسد معرفی میکند و این مطلب را بصورت امر خلل ناپذیری اعلام میکند آیا باز هم مسلمان و پیرو قرآن میتواند تکبه بر نظر اکثریت کرده و و از نظریه آنان پیروی کند. (روزنامه بامداد ۲۰ تیرماه سال ۵۸)

<sup>۲</sup> - محمد خاتمی رییس جمهور پیشین در یک سخنرانی گفته است: دموکراسی نوع غربی چیزی است که ما نمیخواهیم؛ اکثریت مردمی نمی خواهند. ح-ک

## (۲) - آیت الله صادق روحانی

صادق روحانی یکی از مراجع تقلید هموزن سید کاظم شریعتمداری و مرعشی بوده است اودریاب نظر اکثریت و در نهایت اعتبار همه پرسى و انتخابات در سال ۵۸ قبل از همه پرسى چنین گفته است:

> اکثریت مردم ناقص و محتاج و غیر کاملند، بایک سخنرانی داغ و یک مشت کلمات زیبا چنان تحت تاثیر قرار میگیرند که هرچه سخنران بخواهد عمل میکنند و برخی به حدی مادی هستند که بامختصر مزایای مادی خود را تسلیم میکنند ..... اساسا اکثریت مردم غیر عالماند و نادان و نمیتوانند خیر و شر را تشخیص بدهند <

(مشروح درسنگر ۱۵ مرداد ۱۳۸۰)

## (۳) روح الله خمینی

..... بنظر اینجانب رفتارندم که بلحاظ رفع برخی اشکالات به اسم تصویب ملی خوانده شده مخالف رای جامعه روحانیت و اسلام و اکثریت قاطع ملت است اینجانب عجالتا از بعضی جنبه های شرعی آن که اساسا رفتارندم و یا تصویب ملی در قبال اسلام ارزشی ندارد میگذرم

(نهضت روحانیت علی دوانی)

## (۴) آیت الله غروی

رای ملت همان رای عالمان دین است. تمیز حق و باطل با مردم نیست. امام خمینی حکومت اسلامی را میخواست و جمهوری اسلامی را اضطراری پذیرفت.

(کیهان شماره ۸۵۴)

## (۵) آیت الله محمد یزدی

> اگر همه مردم به چیزی رای بدهند که خلاف دین و قرآن باشد بی اعتبار است اسلام ملاک حاکمیت و حق حکومت را آراء مردم نمیداند

(کیهان شماره ۵۸۸)

## دائرة المعارف شیعه

انتخاب هادی و امام در جامعه اسلامی فقط بدست خداست نه مردم

(صفحه ۴۸۵ دائرة المعارف شیعه)

## موقعیت شورا هم فی الامر

تحریر حاضر نیاز به طرح موقعیت آیات ۱۵۹ سوره آل عمران و ۳۸ سوره الشوری دارد که توصیه مشورت و شور کردن را دارد.

این آیات متوجه مواردی از قبیل مشارکت در اداره کشور و قانون گذاری و یا تبدیل نظام کشور از سلطنتی به جمهوری بر مبنای رای و نظر اکثریت **نمیشود**. از باب مثال در حالیکه قرآن درسی و چند آیه از سلطنت با اکرام یاد کرده و آنرا موهبت الهی میداند مشورت و یا نظر گروهی نمیتواند نص قرآنی را نادیده بگیرد و آنرا به جمهوری که قرآن کوچکترین اشاره ای به آن ندارد تبدیل کند.

در حالیکه قرآن بالصریح نظر اکثریت را مردود میداند باید دید تضاد آیات بی اعتباری نظر اکثریت و آیات مشورت در چیست؟

اجازه و توصیه قرآن در مورد مشورت، مربوط به اموری است که قرآن انجام آنرا حکم کرده است و مشورت طریقی است که انسان با استفاده از آن به راه شرعی رسیدن به آن هدف و کاری که میخواهد انجام دهد آگاه میشود به همین جهت است که یکی از شرایط مشاور این است که مومن به اسلام باشد. یعنی با هر کس نمیشود مشورت کرد شاید بتوان گفت که پدیده اجتهاد در تشیع از همین باب مشورت در اسلام اتخاذ شده است و میتوان گفت که محدوده مشورت در اسلام متوجه امور مدنی مانند ازدواج و یا معاملات و انجام سفرو امثال آنهاست نه انتخاب نمایندگان مجلس برای قانون گذاری و یا انتخاب حاکم و یا تبدیل نظام سلطنتی به جمهوری.

### عوت به جرح ورد

خطاب به حقوقدانان جمهوری اسلامی

**اگر حقوقدانان اسلامی مستقل و یا وابسته به جمهوری اسلامی دلایل ابرازی در این تحریر برای عدم**

**مشروعیت همه یرسی سال ۵۸ و انتخابات ادواری جمهوری اسلامی را کافی نمیدانند و معتقدند که**

**حقوق اسلامی برای نظر اکثریت قائل به مشروعیت و اعتبار است حضور آنان را در پاسخ به این**

**تحریر خوشآمد میگویم**